

اسلام دين

شمشير نيست

ديزاین: الحاج سليم، عابد پيمان سويدين



Ketabton.com



۱۳۹۵

تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان
و مسؤول مرکز فرهنگى د حق لاره - جرمنى

www.masjed.se

اسلام دين شمشير نيست

بسم الله الرحمن الرحيم اسلام دين شمشير نيست لا اكره في دين

در (قبول و انتخاب) دين هيچگونه اكره جاه ندارد

ايمان يك عقد، و پيمان و التزام قلبي و دروني است كه انسان با اختيار خود آن را مي پذيرد. بدین اساس دين مقدس اسلام ايمان اجباري را قبول ندارد و پروردگار با عظمت ما انسان را آزاد گذاشته است تا با تحقيق دين را انتخاب كند. كسانيكه انتخاب كننده دين ناحق باشد آنها كافر و كسانيكه قبول كننده دين حق باشد آنها مؤمن مسمی می كند. دين مقدس اسلام برای انتخاب دين قاعده و قانون را وضع نموده است كه پايه و بنياد اين قانون در (آيه : 256 سوره بقره) با ظرافت خاص بيان يافته است :
پروردگار با عظمت ما می فرمايد : « لا اكره في الدين قد تبين الرشد من الغي ... » (الايه)
اجبار و اكره‌ای در (قبول دين) نيست ، چراكه هدايت و كمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است .

شان زول آيه :

اين آيه در سوره بقره بوده و سوره بقره بعد از هجرت به مدينه آغاز گرديده است. وحی اين سوره زمان آغاز يافت كه نظام اسلامي در حال شكل گيری و استحکام بود .
مفسرين ميگویند : كه اين سوره در باره مردی از اهل مدينه و از قبیله بنی سالم بن عوف ، در مورد شخص بنام « حصين » ، نازل شده است : قصه طوری است كه : « حصين » كه خودش مسلمان شده بود ، دوپسر داشت كه نصرانی بودند و تا هنوز بدین اسلام مشرف نشده بودند .

اين مرد داستان را بحضور محمد صلى الله عليه و سلم عرض داشتند كه يا رسول الله ! آيا ميتوانيم آن دو را مجبور به قبولی دين اسلام كنم . چون آنان حاضر نيستند كه غير از نصرانيت دين ديگري را بپذيرند ؟! در جواب آيه شريفه « لا اكره في الدين ... » نازل شد . همچنان برخی مفسرين در شان نزول اين آيه فرموده اند كه : مردی از انصار غلامی داشت سياه پوست بنام « صبيح » ميخواستند او را به دين اسلام به زور مجبور سازند . در همين اثنا آيه « لا اكره في الدين » بر پيامبر محمد صلى الله عليه و سلم نازل شد و به « صبيح » و تمام مسلمانان هدايت داد شد تا درپيزش دين كوچكترين اجبار و اكره‌ی را بر مردم روا ندارند و فرمود : كه انسان ها از كمال اختيار و آزادی برخوردار ميباشند .
همچنان حضرت عمر رضی الله عنه پيره زن نصرانی را به دين مقدس اسلام دعوت كرد ؛ او در جواب گفت : « انا عجز كبيره والموت اقرب الي » يعنی من پير زن بزرگسالی هستم كه مرگم نزديك شده است ؛ چرا در آخر عمر خود مذهبم را رها كنم ؟ حضرت عمر رضی الله عنه بعد از استماع صحبت زن او را بر ايمان آوردن اجبار نه نمود ؛

اسلام دین شمشیر نیست

بلکه این آیه شریفه را تلاوت نمود که: « لا اکره فی الدین » یعنی ، در دین اجباری نیست» و در حقیقت بر پذیرش ایمان زور واکراه امکان ندارد.

دین مقدس اسلام ارتباط ایمان را با اعضای ظاهری نداشته ، بلکه ایمان وعدم ایمان را از اموری قرار داده است که ارتباط اساسی به خواست خود انسان ومیل ورضایت درونی او دارد . طوریکه خداوند متعال میفرماید: « **وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ** » (بگو : حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگار تان (آمده) است) ومن آن را با خود آورده ام وبرنامه من وهمه مؤمنان است) پس هرکس که میخواهد (بـدـان) ایمان بیاورد وهرکس مـی خواهـد (بدان) کافر شود . (سوره الکهف : 29)

قرآن عظیم الشان محمد صلی الله علیه وسلم را به این حقیقت متوجه ساخته است که بر تو فقط تبلیغ دعوت واجب است وتو نمیتوانی بر مردم به گرویدن به اسلام اجبار کنی . « افا نـت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین » (یونس : آیه 99) « آیا تو (ای پیغمبر !) می خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند ؟ (این کار نه صحیح ونه سودمند است ونه از دست تو ساخته است) . وباز در سوره (الغاشیه : آیه : 22 میفرماید : « لست علیهم بمسيطر » (تو بر آنان چیره ومسلط نیستی)

همچنان قرآن عظیم الشان در سوره الشوری آیه : 48 میفرماید : « فان عرضوا فماً ارسالنک علیهم حیضاً ان علیک إلا البلاغ » (اگر (مشرکان از پذیرش دعوت تو) روی گردان شدند (باک مدار وغمگین مشو) چراکه ماتو به عنوان مراقب ومواظب ایشان نفرستادیم .بر تو پیام باشد وبس .

همچنان قرآن عظیم الشان در (سوره مزمل آیه : 19) میفرماید : « فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً » «پس هر کس که بخواهد (میتواند) راهی به سوی پروردگارش اتخاذ نماید » در این آیه متبرکه جمله « **من شاء** » دلیل بر اختیار و آزادی انسان در انتخاب کفر وایمان است .

« **انا هدیناه السبیل إما شاکراً وإما کفوراً** » «ما راه را به انسان نشان دادیم ، خواه شکر گذار باشد (وپذیرا شود) ،یا (مخالفت کند و) کفران نماید . » در آیات متذکره راه حق وباطل از یکدیگر مشخص شده است وانتخاب هریک به دست خود انسان است ، او مجبور نیست ودر عمل میتواند هر کدام از این راه را که بخواهد انتخاب کند ،لکن اگر راه حق وحقیقت را انتخاب کرد ، به جنت وسعادت ابدی دست می یابد واگر راه باطل را انتخاب کرد ، به عذاب دردناک ، وجهنم وبدبختی عظیمی گرفتار خواهد شد .

قرآن عظیم الشان در بیش از (120) آیه تاکید نموده است که اسلام بر اساس رضایت قلبی وآموزش محض انتشار یافته است وبعد از عرضه شدن اسلام بر مردم ، برای آنها صلاحیت عام تام داده شده است تا در پذیرش ورد دین آزاد باشند . بنابر همین منطق بزرگ انسانی است که پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم بعد از فتح مکه اهل مکه را

اسلام دین شمشیر نیست

به حال خود رها کرد و فرمود: «اذهبوا فأنتم الطلقاء»: بروید، شما آزادید و بعد از این فتح عظیم و سرنوشت ساز بر آنان، کسی را به اسلام مجبور نکرد. در تاریخ اسلام اتفاق نیفتاده که مسلمانان حتی یک نفر مسیحی یا یهودی به جبر و زور به قبولی دین اسلام مجبور کرده باشد.

دین اسلام یگانه دینی است که آزادی واقعی از قید اسارت و بندگی، را برای انسان به ارمغان آورده است، اساس است این آزادی همه انواع از استبداد و خود کامگی را در هم شکسته و بسیاری از قید و بند هایی که در جهان متمدن امروز وجود دارد آنرا از پای بشر باز نموده است.

پروردگار ما پیامبر اسلام را مبعوث ساخت تا مردم را از تمام قید و بند هایی که آنان را اسیر خود ساخته بود رهایی بخشد و تمام غل و زنجیر های استبداد، هوا پرستی، بندگی شکم و شهوت، و ثروت، مقام و قدرت طلبی را از بین برده، و بشر را بسوی آزادی واقعی هدایت و رهبری نمود.

علما و مفسرین دین مقدس اسلام آزادی را بدو دسته (آزادی تکوینی و آزادی تشریعی) تقسیم بندی نموده اند.

آزادی تکوینی بدین معنی و مفهوم است که در نظام آفرینش، انتخاب راه و عقیده جبر و اجبار وجود ندارد. و انسان به حسب خلقت اش موجودی دارای شعور و اراده بوده، در انجام و ترک فعل و انتخاب و اختیار خود آزاد است.

و در آزادی تشریعی، هیچ کس حق استعلاء و برتری بر دیگری را ندارد، و هیچ کس حق ندارد دیگری را غلام و برده و مطیع خود بسازد و اراده و عمل او را مالک شود و خواسته ها و یا عقیده خویش را برخلاف میل و رغبت او بر او تحمیل کند، زیرا در نظام تشریع همه افراد جامعه بدون استثناء از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ کسی حق مزیت و برتری را نسبت به دیگری ندارد.

ولی باید تذکر داد که در آزادی تشریعی تکالیف و قوانین شرعی متوجه انسان است و انسان در برابر این قوانین مسؤول است. این بدین معنی است که در آزادی تشریعی آزادی نامحدود نیست، بلکه انسان موظف است در مسیر قانون شرعی و الهی حرکت کند و خروج و سر پیچی از آن، خروج از بندگی الهی است؛ که خروج از بندگی خدا ظلم به خویشتن است. «من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه» (کسیکه از حدود الهی تجاوز و سر پیچی کند به خود ظلم را روا داشته است) (سوره طلاق: آیه 1) «ومن يعص الله ورسوله فقد ضلّ ضللاً مبيناً» (احزاب: 36)

هر کس که خدا و رسولش را نافرمانی کند، به گمراهی اشکاری گرفتار شده است. بناً از نظر اسلام آزادی که خارج از مسیر حق و صراط المستقیم الهی باشد آزادی نیست؛ بلکه قید و بندی به ظاهر آزادی است، که دین اسلام بسیاری از انسانهای به ظاهر آزاد را برده می شمارد؛ بردگانی که اسیر هوای نفس گشته اند و طعم شیرین

اسلام دین شمشیر نیست

آزادی واقعی را که در پرتو بندگی احکام الهی و سنت پیامبر اسلام حاصل می‌گردد نچشیده اند.

دین اسلام دین موعظه حسنه است و این دین به پیروان خویش هدایت می‌فرماید تا در نشر و تبلیغ دین خط مشی حکیمانه را تعقیب نمایند و بر اساس حکمت، گفتار نیک و کردار نیک مردم را به دین اسلام جلب و از جبر و اکراه جلوگیری بعمل آرند. «أدع إلى سبيل ربك بالحكمة والوعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن» (سوره النحل: 125)

«ای پیامبر: مردمان را با سخنان استوار و به و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان با شیوه هر نیکو تر گفتگو کن»
بنابر همین سیاست الهی است: که پیامبر اسلام در اولین قانون مدینه، بعد از هجرت قید کرد که یهودیها و مسلمانان باهم مشترک زندگی ارام را تشکیل می‌دهند. و به حق آنان در ماندن به دینشان اعتراف کرد.

دین مقدس اسلام خود را حافظ و نگهبان ادیان آسمانی دانسته و وظیفه خود میدانند که با دفاع از این ادیان برخیزد. زیر تضعیف ادیان گذشته موجب تضعیف دین مقدس اسلام و تضعیف اسلام موجب وهن و سستی سائر ادیان را در پی خواهد داشت. اسلام، مهمترین دلیل، بر سالت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام بوده و هست و هر گونه خوشه در اصالت اسلام، موجب خدشه در حقانیت آنان خواهد بود. «ودت طائفة من اهل الكتاب لو يضلونكم وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون» (گروهی از اهل کتاب، دوسن دارند تا شما را گمراه کنند در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند.)

حضرت عمر (رض) خلیفه دوم اسلام مسیحیهای ساکن بیت المقدس را امان داد گفت: «زندگی مسیحیها، کلیساها و صلبهای آنان در امان هستند به هیچ کس به سبب دینش ضرر نمی‌رسد و بر انجام کاری مجبور نمی‌گردد.»
ولی با تأسف باید گفت که در جهان امروزی ما: برخی از حلقات مذهبی تلاش‌ها و مجاهدات خویش را در تضعیف دین مقدس اسلام براه انداخته‌اند، و به براه انداختن تبلیغات حتی بر قرآن عظیم الشان و پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نیز رحم نه میکنند.

اسلام دين شمشير نيست

نبايد فراموش كرد كه : آنان با اين عمل خويش ، خود آگاه به خود ضربه مي زنند زيرا تضعيف اسلام ، به عنوان ديني واقعي و حقيقي كه انسان را به سوي خالق مدبر و حكيم دعوت مي كند ، تضعيف همه اديان بشمار خواهد رفت . ولي ما يقين داريم به جز « وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون » به اين عمل گمراه كننده بجز اينكه خود و نفس هاي خويش را فريب دهند نتيجه و ثمره ديگري را بدست نخواهند آورد .

پايان

اسلام دين شمشير نيست

تتبع و نگارش : امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و

مسؤل مرکز فرهنگى دحق لاره - جرمنى

ادرس ارتباطي : بريننا ليک :

saidafghani@hotmail.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library